



قاطعیتِ مهربانانه؛ راهی برای مدیریت بهتر کلاس

■ فاطمه صدیقی

معلم پایه پنجم دبستان دخترانه ناحیه ۲

می‌گیرند. پژوهشگران این سبک‌ها را بر اساس دو بعد اصلی تعریف می‌کنند:

۱. میزان محبت و پاسخ‌گویی معلم

در این سبک، معلم بیش از هر چیز بر رابطهٔ دوستانه با دانش‌آموزان تمرکز می‌کند و قوانین یا انتظارات را چندان جدی پیگیری نمی‌کند. در نتیجه، دانش‌آموزان معمولاً معلم را دوست دارند، اما به تدریج مرزها کم رنگ می‌شود و نظم کلاس آسیب می‌بیند.

در ظاهر فضای کلاس آرام و صمیمی است؛ اما در عمل، بخشی از دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیری لازم را ندارند و از زیر بار وظایف آموزشی شانه خالی می‌کنند. به همین دلیل، با وجود صرف انرژی زیاد از سوی معلم، بازدهی آموزشی پایین می‌ماند.

۲. میزان کنترل، قانون‌گذاری و نظم‌دهی

این بعد به وضوح قوانین و ثبات در اجرای آن‌ها و جدیت معلم در پیگیری انتظارات آموزشی اشاره دارد. معلمی که در این بعد قوی‌تر عمل می‌کند، چارچوب‌های مشخصی برای رفتار و یادگیری تعیین می‌کند، پیامدهای قابل پیش‌بینی برای رفتارها دارد و در اجرای قوانین ثبات نشان می‌دهد. در واقع، تفاوت سبک‌های مدیریت کلاس از

متوجه شدم مهربانی‌ام گاهی منجر به سهل‌گیری شود و برخی از دانش‌آموزان از انجام وظایف خود سر باز بزنند یا نظم کلاس را به هم بریزند. در چنین شرایطی، ناچار می‌شدم سخت‌گیرانه‌تر رفتار کنم؛ اما چون نمی‌خواستم دانش‌آموزان از من دلخور شوند، مدام میان مهربانی و سخت‌گیری در نوسان بودم. این دوگانگی انرژی زیادی از من می‌گرفت و بر آرامش روانی‌ام نیز اثر منفی می‌گذاشت.

نقطهٔ تغییر زمانی برایم شکل گرفت که با مفهومی در روان‌شناسی آشنا شدم: چهار سبک اصلی فرزندپروری. جالب این بود که خیلی زود فهمیدم این الگوها فقط به فضای خانواده محدود نمی‌شوند، بلکه در کلاس درس نیز به وضوح دیده می‌شوند. همان‌طور که والدین رویکردهای متفاوتی در تربیت فرزندان خود دارند، معلمان نیز سبک‌های گوناگونی در تعامل و مدیریت کلاس به کار

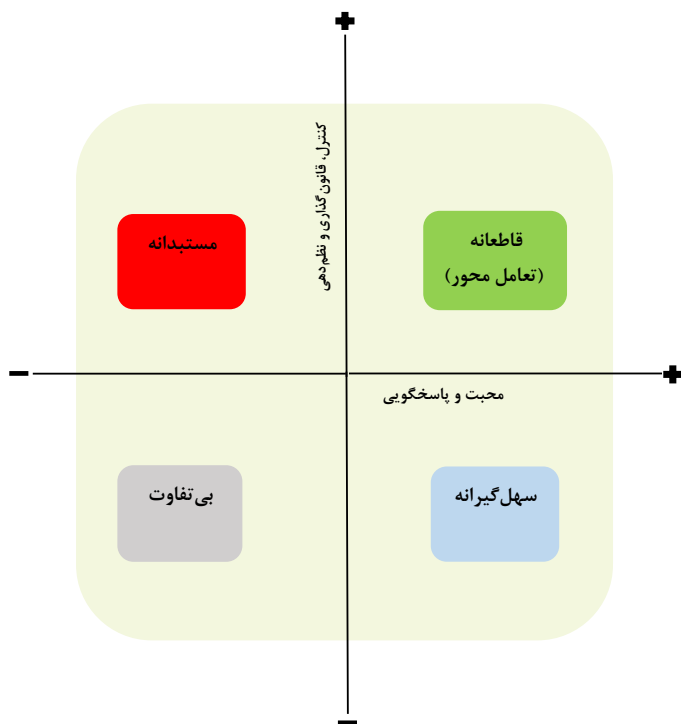
فاطمه صدیقی با کارشناسی ارشد ژنتیک در سال ۱۳۹۵ وارد مجتمع آموزشی جوادالائمه (ع) شده است که ۷ سال در پایه پنجم و ۲ سال در پایه ششم تجربه معلمی دارد.



سال‌های نخست معلمی‌ام، گاهی در مدیریت کلاس احساس سردرگمی می‌کردم. دانش‌آموزانم را دوست داشتیم؛ اما کم‌کم



ترکیب این دو بعد شکل می‌گیرد:
 الف) وقتی محبت زیاد و کنترل کم باشد، سهل‌گیری ایجاد می‌شود.
 ب) وقتی کنترل زیاد و محبت کم باشد، سخت‌گیری شکل می‌گیرد.
 ج) وقتی هر دو کم باشد، بی‌تفاوتی پدید می‌آید.
 د) زمانی که هر دو در سطح مطلوب قرار گیرند، سبک قاطعانه و متعادل شکل می‌گیرد.



۱. سبک سهل‌گیرانه

در این سبک، معلم بیش از هر چیز بر رابطه دوستانه با دانش‌آموزان تمرکز می‌کند و قوانین یا انتظارات را چندان جدی پیگیری نمی‌کند. در نتیجه، دانش‌آموزان معمولاً معلم را دوست دارند؛ اما به تدریج مرزها کمرنگ می‌شود و نظم کلاس آسیب می‌بیند. در ظاهر، فضای کلاس آرام و صمیمی است؛ اما در عمل، بخشی از دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیری لازم را ندارند و از زیر بار وظایف آموزشی شانه خالی می‌کنند. به همین دلیل، با وجود صرف انرژی زیاد از سوی معلم، بازدهی آموزشی پایین می‌ماند و والدین نیز بیشتر اوقات نسبت به بی‌نظمی و افت تلاش دانش‌آموزان ابراز نارضایتی می‌کنند.

۲. سبک مستبدانه

در نقطه مقابل، معلمی قرار دارد که قوانین را با سخت‌گیری بالا و انعطاف اندک اجرا می‌کند. در این کلاس‌ها نظم ظاهری برقرار است و برنامه‌های آموزشی معمولاً طبق برنامه پیش می‌رود؛ اما دانش‌آموزان بیشتر اوقات احساس امنیت عاطفی ندارند. فضای کلاس برای آن‌ها تنش‌زاست و رابطه‌ای گرم و انسانی با معلم شکل نمی‌گیرد. اضطراب، ترس از اشتباه و کاهش انگیزه از پیامدهای رایج این سبک به شمار می‌رود.

۳. سبک بی‌تفاوتی

در این سبک، معلم به رفتار و احساسات و پیشرفت دانش‌آموزان حساسیت کافی نشان نمی‌دهد. کلاس معمولاً بدون جهت

مشخص پیش می‌رود و نتیجه آموزشی ضعیف است.

این رویکرد بیشتر در میان معلمانی دیده می‌شود که معلمی را فقط انجام وظیفه می‌دانند و ارتباط انسانی با دانش‌آموزان یا کیفیت یادگیری برایشان در اولویت نیست. البته باید توجه داشت که خستگی، فرسودگی شغلی و فشارهای روانی می‌تواند هر معلمی را به طور موقت به این سبک سوق دهد.

۴. سبک قاطعانه (تعامل محور)

این سبک نقطه تعادل میان رابطه و قانون است. در این رویکرد، معلم ارتباطی گرم، محترمانه و امن با دانش‌آموزان برقرار می‌کند؛ اما در عین حال، قوانین و انتظارات و پیامدها را با قاطعیت، شفافیت و ثبات اجرا می‌کند. دانش‌آموز در این فضا احساس دیده شدن و احترام می‌کند و هم‌زمان می‌داند که چارچوب‌ها واقعی و جدی هستند. تجربه شخصی من نشان می‌دهد که در این سبک، هم فضای کلاس سالم‌تر است و هم همکاری دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. بازخورد والدین نیز بیشتر اوقات این‌گونه است: «بچه‌ها شما را دوست دارند، اما می‌دانند که در کارتان جدی هستید.»

در این روش، تعداد محدودی قانون ساده، روشن و قابل اجرا تعیین و اجرای آن‌ها به صورت منظم دنبال می‌شود. در صورت رعایت نکردن قوانین، ابتدا به صحبت‌های دانش‌آموز گوش داده می‌شود، سپس بدون

دعوا، تهدید یا تحقیر، پیامدهایی منطقی، قابل پیش‌بینی و آموزشی در نظر گرفته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که آموختم این بود که گفتن «نه»، بخشی از مسئولیت مراقبتی معلم است. وقتی خواسته‌ای به نفع دانش‌آموز یا نظم کلاس نیست، با آرامش و احترام «نه» گفته می‌شود و در صورت نیاز، توضیحی کوتاه و روشن ارائه می‌شود.

سخن پایانی

گاهی تصور می‌شود معلم باید همیشه قوی، صبور و بی‌خطا باشد؛ در حالی که معلمی شغلی عمیقاً عاطفی است. معلم خسته و تحت فشار یا ناآرام نمی‌تواند فضای سالمی برای یادگیری ایجاد کند.

من یاد گرفتم پیش از ورود به کلاس، ذهنم را برای چالش‌ها آماده کنم و مسئولیت‌های خارج از توانم را نپذیرم؛ زیرا سلامت روان معلم، مستقیماً بر کیفیت آموزش، مدیریت کلاس و روابط با دانش‌آموزان اثر می‌گذارد.

باور دارم آشنایی با این سبک‌ها می‌تواند به معلمان کمک کند آگاهانه‌تر انتخاب کنند و شیوه‌ای متعادل‌تر در پیش بگیرند. کلاس درس زمانی بهترین عملکرد خود را نشان می‌دهد که محبت و قانون در کنار هم قرار بگیرند؛ نه آن قدر مهربانی که نظم از بین برود و نه آن قدر سخت‌گیری که شوق یادگیری خاموش شود. □

